

# قتل زنان در ایران؛ جنایتی بی‌مجازات

## موج فزاینده قتل زنان در سال ۲۰۲۶ و نقش قوانین و سیاست‌های زن‌ستیزانه در تداوم این جنایات

## اکتبر ۲۰۲۶


کمیسیون زنان
شورای ملی مقاومت ایران



wncri.org/fa
@womenncri
@womenncri

## قتل زنان در ایران؛ جنایتی بی‌مجازات

## موج فزاینده قتل زنان در سال ۲۰۲۶ و نقش قوانین و سیاست‌های زن‌ستیزانه در تداوم این جنایات

در حالی که در بسیاری از کشورهای جهان مبارزه با خشونت علیه زنان، جرم‌انگاری خشونت خانگی و حمایت از زنان در معرض خطر به یک اولویت حقوقی و اجتماعی تبدیل شده است، زنان ایران همچنان تحت حاکمیت رژیم زن‌ستیز آخوندی با ساختاری روبه‌رو هستند که آنان را از ابتدایی‌ترین حمایت‌های قانونی محروم می‌کند.

افزایش قتل زنان در ایران را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از جنایات فردی یا اختلافات خانوادگی دانست. این جنایات در خلاء رخ نمی‌دهند. آنها محصول نظامی هستند که در آن تبعیض علیه زنان نهادینه شده، قوانین از آنان در برابر خشونت هیچ حمایتی نمی‌کند، خشونت علیه زنان جرم‌انگاری نشده و عاملان خشونت در عمل از مصونیت برخوردارند.

قریب پنج دهه حاکمیت رژیم ملایان، با ترویج فرهنگ مردسالارانه و مسدود کردن راهکارهای حمایتی، شرایطی را فراهم کرده که خشونت علیه زنان به امری عادی و تکرارشونده تبدیل شود.

بررسی موارد ثبت‌شده قتل زنان در سال ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که خانه برای بسیاری از زنان ایرانی به خطرناک‌ترین مکان زندگی بدل شده است. بخش عمده قربانیان نه توسط افراد ناشناس، بلکه به دست شوهران، شوهران سابق، پدران، برادران، دامادها و دیگر مردان نزدیک خانواده کشته شده‌اند.



## اکتبر ۲۰۲۶؛ یکی از خونبارترین ماه‌ها برای زنان ایران

اکتبر ۲۰۲۶ به یکی از سیاه‌ترین و خونبارترین برهه‌های سال برای زنان ایران بدل شد. طی این ماه، دست‌کم ۲۴ پرونده قتل زنان با ۲۶ قربانی (زن و کودک) در سراسر کشور به ثبت رسید؛ آماری هولناک که نشان می‌دهد به طور میانگین، روزانه یک زن یا کودک قربانی جنایت‌های خانگی شده است.

ریشه این جنایت‌ها نه در حوادثی اتفاقی، بلکه در الگویی ساختاری و تکرارشونده نهفته است: اعمال سلطه و کنترل بر زنان، مخالفت با استقلال و حق طلاق آنان، تداوم فاجعه کودک‌همسری، رواج قتل‌های خودخواسته «ناموسی» و بی‌پناهی کامل زنان در سایه خلاءهای قانونی.

بدیهی است این آمار تنها مشتی نمونه خروار و بازتاب‌دهنده مواردی است که امکان درز به مطبوعات را یافته‌اند. با توجه به پنهان‌کاری نظام‌مند حاکمیت، آمار واقعی بسیار سنگین‌تر است. پیش از این نیز رسانه‌ها و کارشناسان داخلی اذعان کرده بودند که دست‌کم ۶۶ درصد از زنان ایران در طول زندگی خود با خشونت خانگی مواجه می‌شوند (ایسنا، ۲۵ آبان ۱۳۹۷) و «امروز هیچ خانه‌ای در ایران امن نیست.» (جهان صنعت، ۲۹ آبان ۱۳۹۹) امروزه با تشدید بحران‌های اقتصادی و فشارهای معیشتی در سال‌های اخیر، بی‌تردید ابعاد این فاجعه گسترده‌تر و نگران‌کننده‌تر شده است.



## فرشته یوسف‌زاده؛ مادری که همراه فرزندانش به رگبار بسته شد

در ۲۳ مهر ۱۴۰۵، فرشته یوسف‌زاده، مادر ۳۸ ساله سه فرزند در دهلران، قربانی یکی از تکان‌دهنده‌ترین قتل‌های سال شد. شوهر او که از اعضای سپاه پاسداران بود، با سلاح کلاشینکف همسرش، دختر ۱۴ ساله او رزا و دو کودک دیگر خانواده را به گلوله بست.

اختلاف اصلی بر سر حضور دختر فرشته از ازدواج قبلی در خانواده بود. فرشته مدتی پیش خانه را ترک کرده بود، اما هنگامی که برای برداشتن وسایل خود بازگشت، همراه فرزندانش هدف تیراندازی قرار گرفت و جان باخت.

## یگانه حسین‌زایی؛ قربانی کودک‌همسری

یگانه حسین‌زایی تنها ۱۶ سال داشت. او در سن ۳ سالگی پدرش را از دست داد. به گفته مادرش از ۱۰ سالگی برای ازدواج با پسرعمویش در نظر گرفته شده بود و در ۱۴ سالگی ازدواج کرد. مادر یگانه بارها برای جلوگیری از ازدواج زودهنگام دخترش به مراجع مختلف مراجعه کرد اما نتوانست مانع این اتفاق شود. (رکنا – ۲۸ مهر ۱۴۰۵)

در ۱۷ مهر ۱۴۰۵، شوهرش او را با کابل و چوبدستی مورد ضرب و شتم قرار داد و سپس خفه کرد.

زندگی کوتاه یگانه، تصویری روشن از سرنوشت بسیاری از قربانیان کودک‌همسری در ایران است؛ دخترانی که قبل از رسیدن به بزرگسالی از حق تحصیل، کودکی و انتخاب محروم می‌شوند و در چرخه خشونت گرفتار می‌گردند.




**از راست به چپ: یگانه حسین‌زایی – مریم یارمحمدی – مینا سلطانی**

## مریم یارمحمدی؛ قربانی یک قتل به‌اصطلاح ناموسی

در جزیره قشم، مریم یارمحمدی، مادر ۲۸ ساله دو فرزند، به دست برادرش به قتل رسید.

براساس گزارش‌ها، شوهر مریم نیز در این جنایت با برادر او همکاری کرده بود. او در شب وقوع قتل، فرزندان را از خانه خارج کرد و سپس برادر مریم او را با ضربات متعدد چاقو به گردن، سینه و دیگر اعضای بدن به قتل رساند.

اما تکان‌دهنده‌تر از خود قتل، واکنشی بود که پس از آن رخ داد. بخشی از بستگان مریم به بازداشت قاتلان اعتراض کردند و حتی نام برادر و شوهر او در آگهی ترحیم به عنوان صاحبان عزا درج شد.

این پرونده تصویری آشکار از فرهنگی است که در سایه قوانین تبعیض‌آمیز، خشونت علیه زنان را توجیه یا عادی جلوه می‌دهد.

## مینا سلطانی؛ مادری که در خانه خود کشته شد

در اصفهان، مینا سلطانی، مادر ۴۰ ساله دو فرزند، توسط شوهرش به قتل رسید.

قاتل پیش از ارتکاب جنایت، پسر ۲۱ساله اش را به بهانه ای از خانه خارج کرد و پسر ۱۰ساله دیگر را در اتاقی حبس نمود. سپس همسرش را با ضربات متعدد چاقو به قتل رساند.

این جنایت نمونه دیگری از واقعیتی است که در سال ۱۴۰۵ بارها تکرار شد. زنانی که در محیط خانه، یعنی مکانی که باید امن‌ترین محل زندگی آنان باشد، جان خود را از دست دادند.

## وقتی رد درخواست ازدواج به مرگ ختم می‌شود

قتل زنان در ایران تنها به روابط زناشویی محدود نمی‌شود.

در مهرماه، زینب، زن ۲۸ ساله‌ای که درخواست ازدواج نامزد سابق خود را رد کرده بود، در یکی از مراکز خرید تهران هدف گلوله قرار گرفت و جان باخت.

در پرونده‌های متعددی از سال ۲۰۲۶ نیز زنان به دلیل درخواست طلاق، مطالبه مهریه، جدایی از همسر یا رد خواستگار، قربانی خشونت مرگبار شده‌اند.

## از خشونت خانگی تا قتل

بررسی پرونده‌های ثبت‌شده نشان می‌دهد که قتل، نخستین خشونتی نبود که قربانیان تجربه کردند.

بسیاری از زنان پیش از قتل با تهدید، کنترل، ضرب‌وشتم، خشونت روانی، محرومیت اقتصادی و محدودیت‌های شدید مواجه بوده‌اند. در موارد متعددی قربانی برای طلاق اقدام کرده بود یا تلاش داشت از یک رابطه خشونت‌آمیز خارج شود. به بیان دیگر، قتل آخرین حلقه زنجیره خشونتی است که در سایه نبود حمایت قانونی ادامه یافته است.



## کودک‌همسری؛ مسیری که به خشونت و مرگ ختم می‌شود

در میان قربانیان سال ۲۰۲۶، موارد متعددی از دختران و زنانی دیده می‌شوند که قربانی کودک‌همسری بوده‌اند.

از جانا سعدوئی تا یگانه حسین‌زایی و شماری دیگر از قربانیان، الگویی مشابه دیده می‌شود: ازدواج در سنین پایین، ترک تحصیل، وابستگی اقتصادی، خشونت مستمر و در نهایت قتل.

کودک‌همسری در ایران کاری قانونی و رایج است. ازدواج اجباری و زودهنگام دختران یکی از آشکارترین اشکال نهادینه خشونت علیه دختران نوجوان در ایران به شمار می‌آید. این پدیده زائده رژیم زن ستیز ملایان است که به دلیل سیاست‌های سیاسی و اقتصادی رژیم تبدیل به یک فاجعه اجتماعی شده‌است.

## چرا قاتلان احساس مصونیت می‌کنند؟

اما شاید مهم‌ترین پرسش این باشد که چرا این جنایات در این ابعاد پرتکرار هستند؟

پرسش اصلی این نیست که چرا یک شوهر، پدر یا برادر دست به قتل می‌زند. پرسش اصلی این است که چرا بسیاری از قاتلان اطمینان دارند که با پیامدهای جدی و بازدارنده روبه‌رو نخواهند شد.

نمونه شناخته‌شده این وضعیت، پرونده مونا حیدری است. دختر نوجوانی که پس از سال‌ها کودک‌همسری و خشونت خانگی، در بهمن ۱۴۰۰ توسط شوهرش به قتل رسید.

تصاویر شوهر مونا که پس از بریدن سر او، آن را در خیابان‌های اهواز به نمایش می‌گذاشت، افکار عمومی ایران و جهان را شوکه کرد. با این حال، مجازاتی که برای قاتل در نظر گرفته شد هرگز با ابعاد این جنایت هولناک تناسب نداشت و او پس از مدتی به زندگی عادی بازگشت.

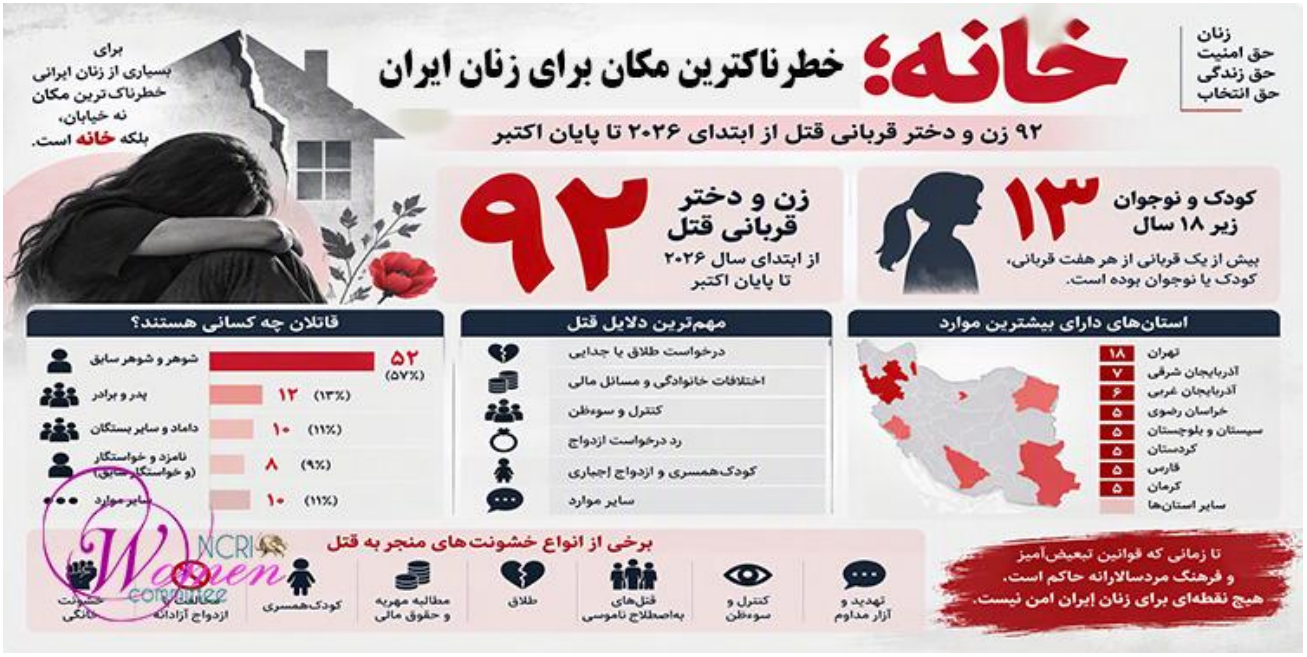
پیام این پرونده برای جامعه روشن بود: حتی یکی از فجیع‌ترین قتل‌های زنان نیز الزاماً با مجازات سنگین و بازدارنده روبه‌رو نمی‌شود. نمونه‌های مشابه همچنان ادامه دارند.

در خرداد ۱۴۰۴ هانیه بهبودی قهرمان مچ‌اندازی در مشهد توسط همسرش به قتل رسید. قاتل پیش از قتل، دستان همسر خود را نیز قطع کرده بود. هانیه نیز قربانی کودک همسری بود و یک دختر چهار ساله داشت.

این تنها خشونت فردی نیست. مسئله اصلی آن است که عاملان چنین جنایاتی در فضایی عمل می‌کنند که قوانین موجود نه از زنان حمایت می‌کند و نه بازدارندگی لازم را ایجاد کرده است.

عدم جرم‌انگاری خشونت خانگی، بلاتکلیف ماندن قوانین حمایت از زنان، کمبود خانه‌های امن، نگاه مالکیتی به زنان و تبعیض‌های نهادینه در قوانین، همگی به شکل‌گیری فرهنگ مصونیت کمک کرده‌اند.

هر بار که قاتلی با مجازاتی سبک روبه‌رو می‌شود، این پیام به جامعه منتقل می‌شود که جان زنان از حمایت کافی برخوردار نیست.



## آمار تکان‌دهنده سال ۲۰۲۶

بررسی موارد ثبت‌شده از آغاز سال ۲۰۲۶ تا پایان اکتبر نشان می‌دهد:

- دست‌کم ۹۲ زن و دختر قربانی قتل شده‌اند.
- حداقل ۱۳ قربانی زیر ۱۸ سال بوده‌اند.
- بخش عمده قتل‌ها توسط شوهر، شوهر سابق، پدر یا برادر قربانی انجام شده است.
- موارد متعددی با کودک‌همسری، ازدواج اجباری و خشونت خانگی ارتباط مستقیم داشته‌اند.
- استان‌های تهران، کردستان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی و کرمان از جمله استان‌هایی هستند که موارد متعددی از قتل زنان در آنها ثبت شده است.

این آمار تنها شامل مواردی است که رسانه‌ای شده‌اند و ابعاد واقعی بحران احتمالاً فراتر از این ارقام است.

## قتل زنان در ایران یک مسئله فردی یا خانوادگی نیست



اگرچه چاقو، اسلحه، طناب یا آتش را شوهر، پدر، برادر یا دیگر مردان خانواده به کار می‌گیرند، اما ریشه این جنایات در ساختاری نهفته است که زنان را شهروند درجه دوم می‌داند، از حمایت قانونی آنان سر باز می‌زند و به عاملان خشونت علیه زنان مصونیت عملی می‌بخشد.

موج فزاینده قتل زنان در سال ۲۰۲۶ یک بار دیگر نشان می‌دهد که تا زمانی که قوانین تبعیض‌آمیز، فرهنگ مردسالارانه رسمی و سیاست‌های زن‌ستیزانه رژیم حاکم بر ایران ادامه داشته باشد، زنان همچنان بهای این ساختار سرکوبگر را با جان خود خواهند پرداخت.